

نقشه‌برداری ذهنی از فضای اول-مادی شهر

مطالعه‌ای تطبیقی از ساکنان سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی شهر رشت

حمید رخساری* - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه گیلان
مریم جعفری مهرآبادی - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه گیلان
حسین حاتمی‌نژاد - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۰۹ تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۲۶

چکیده

فضای اول شهر، همان فضای مادی (فیزیکی) شهر یا در مطالعات نقشه‌های ذهنی، فضای ادراکی شهر است. این فضا نخستین بعد در مطالعات نقشه‌های ذهنی به‌شمار می‌آید که از دهه ۱۹۶۰ نظر پژوهشگران شهری را به خود جلب کرده است. تحلیل فضای ادراکی ساکنان شهر رویکردی مهم در مطالعات فضا‌مندی نقشه‌های ذهنی است. در مطالعه حاضر شهر رشت از نظر دو طبقه اجتماعی شهری شامل ساکنان رسمی منطقه ۱ و ساکنان غیررسمی منطقه ۴ شهری تحلیل شده است. در این پژوهش، حجم نمونه ۶۰ نفر از ساکنان سکونتگاه‌های رسمی منطقه ۱ و ۶۰ نفر از ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه ۴ شهر رشت را شامل شده است. نمونه‌گیری به روش نظری و برداشت داده‌ها با استفاده از «مصاحبه و مشاهده» صورت گرفت. داده‌ها شامل نقشه‌برداری کروکی، یادداشت‌برداری و عکس‌برداری بود و تجزیه و تحلیل آن‌ها به روش ژئو تجسم^۱ تراکم سطوح^۲ در جی‌آی‌اس کیفی (QGIS)^۳ انجام شد. براساس نتایج پژوهش، در تحلیل فضای اول-مادی شهر رشت در نقشه ذهنی دوطبقه اجتماعی مورد مطالعه، فضا پاسخگوی نیازهای شهروندان طبقه متوسط شهری است. همچنین شکل‌گیری فضاهای جدید فیزیکی، تجاری، تفریحی، فرهنگی و... از الزامات شرایط زندگی مدرن این طبقه محسوب می‌شود. در این میان، ساکنان کم‌درآمد شهر در شکل‌گیری، تداوم و افول این فضاها نقشی ندارند.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای رفتاری-فضایی، جی‌آی‌اس کیفی، رشت، سکونتگاه‌های غیررسمی، فضای اول-مادی، نقشه ذهنی.

مقدمه

در طول تاریخ، نقشه‌ها به‌عنوان سلاح امپریالیسم در مقابل جوامع مختلف بشری کاربرد داشته‌اند (Harley, 1988). براساس این دیدگاه، نقشه‌برداری (کارتوگرافی) «علم شاهزادگان» است که دولت‌ها و نخبگان به‌منظور تصرف اراضی و منابع باارزش از آن استفاده کرده‌اند؛ علمی که در طول تاریخ، مردم بومی شایع‌ترین قربانیان آن بوده‌اند (Chapin et al., 2005). به همین منظور، نقشه‌برداری مبتنی بر جوامع با عنوان «کارتوگرافی انتقادی» به‌ویژه در شهرها که مرکز دولت‌ها هستند، از اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ در مخالفت با سنت غالب نقشه‌برداری به‌عنوان بازتابی متری و بی‌طرفانه از محیط توسعه یافت (Wood and krygier, 2016). مدافعان کارتوگرافی انتقادی با بررسی نقشه‌های جوامع گوناگون سعی در فاش کردن «برنامه‌های پنهان نقشه‌ها» به‌عنوان ابزار قدرت فضایی داشتند. به اعتقاد آن‌ها نقشه‌برداری از سوی جوامع، تأثیری قوی بر کل جامعه، به‌ویژه گروه‌های محروم جامعه دارد؛ زیرا آن‌ها فرصتی برای تفکر فضایی درمورد محیط خود و به معنای واقعی کلمه درباره محیط جامعه خود روی نقشه دارند. نقشه‌برداری در جوامع فرایند ایجاد داده‌ها و درنهایت نقشه است که افراد جامعه آن را تهیه می‌کنند. نقشه‌برداری مبتنی بر جامعه بهترین شیوه برای برنامه‌ریزی محلی پایدار است (Panek and Sobotova, 2015).

در علم جغرافیا، نقشه‌های مبتنی بر جامعه، سال‌ها به‌عنوان ابزار شناخت محیط و ارائه‌دهنده اطلاعات فضایی جغرافیایی کاربرد داشته‌اند (Thrower, 1972). در این باره، جغرافی‌دانان انسانی با رویکرد نقشه‌های فعالیت‌ها، احساسات، روایت‌ها و... به بررسی سطح گسترده‌ای از تنوع شناختی جوامع مختلف درمورد چگونگی خلق مفهوم فضاهای جغرافیایی پرداخته‌اند (Lewis, 1972). برای جغرافی‌دانان رفتاری-فضایی، یکی از انواع نقشه‌برداری مبتنی بر جوامع نقشه‌های ذهنی است. این نقشه‌ها برای جغرافی‌دانان شیوه‌ای گرافیکی است که به‌کمک آن واقعیت‌های ذهنی افراد از فضا بیان می‌شود؛ یعنی شیوه‌ای که یک فرد، بخشی از فضا را ادراک می‌کند. بدین ترتیب این شیوه نماینده اطلاعات افراد از فضای زندگی خود است که بازنمایی‌های فضایی یا بازنمایی‌های شناختی از فضا به‌شمار می‌آید (Paulet, 2002). نقشه‌های ذهنی از چند دهه گذشته تبدیل به منبع مطالعاتی مهمی در جغرافیای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... شده‌اند؛ بنابراین امروزه رویکردی برای تحلیل فضای شهری محسوب می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که روند این‌گونه مطالعات در سراسر جهان شتاب یافته است (Pè, 2015).

از دهه ۱۹۷۰ نقشه‌های ذهنی به‌منزله موضوعی مهم، به مطالعات تحلیل محیط‌شناختی جوامع شهری راه یافت (Orleans, 1967; Appleyard, 1970; Downs, 1970; Goodey, 1971; Johnston, 1971; Golledge and Spector, 1978; Pocock, 1978; Matei et al., 2001; Dalton and Bafna, 2003; Besten, 2008; Ciobanu, 2008; Horley, 2010; Jiang, 2012a-b-c). از دهه ۱۹۸۰ نیز با رونق فناوری عظیم در تمام زمینه‌های علوم زمین، مطالعات نقشه‌های ذهنی وارد مرحله جدیدی شد که رویکرد جدید ابعاد فضایی، اجتماعی و کیفی را در کارتوگرافی و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) برای تحلیل نقشه‌برداری ذهنی به‌دنبال داشت (Albert and Golledge, 1999; Medyckyj Scott and Hearnshaw, 1993; Seiber, 2001; Peake and Moore, 2004; Vajjhala, 2005; Chambers, 2006;

این روش‌های جدید به صورت کارتوگرافی انتقادی^۱ (Butler, 2006; Kathlene, 2007; Raanan and Shoval, 2014) نقشه‌برداری مشارکتی و همکاری^۲ (Crampton and Krygier, 2005; Crampton, 2011) یا GIS پایین به بالا^۳ (Sieber, 2002, 2006) یا GIS پایین به بالا^۴ (Talen, 2000) مشارکت عمومی (Walker et al., 2002) یا GIS کیفی^۵ (Craig et al., 2002; Corbett and Rambaldi, 2009; Zhong, 2008; Tulloch, 2008) (Horley, 2010; Cope and Elwood, 2009) و روش‌های بسیار دیگر (Dunn, 2007; Schuurman, 2000) مبتنی بر جوامع گوناگون شهری توسعه یافته‌اند. روش‌شناسی و روش پژوهش جدید در علم نقشه‌برداری موجب شد رویکرد مطالعات نقشه‌های ذهنی از تحلیل محیطی به تحلیل‌های فضایی کشانده شود (Tuan, 1974)؛ به گونه‌ای که امروزه نقشه‌برداری ذهنی از شهر از سوی جوامع گوناگون شهری با رویکرد علوم فضایی می‌تواند برای برنامه‌ریزان شهری مؤثر واقع شود. همچنین می‌توان به کمک آن‌ها الگوهای فضایی گروه‌های گوناگون شهری مانند کودکان، کم‌توانان، سالمندان و... را به منظور افزایش کیفیت زندگی شهری بررسی کرد (Nasar, 1997). همچنین مقایسه نقشه‌های ذهنی مبتنی بر جوامع گوناگون شهری مانند شهرسازان و شهروندان (Appleyard, 1970)، میان نژادها و طبقات متعدد شهرها (Orleans, 1967)، ساکنان بومی و مهاجر شهرها (Birolek and Andráško, 2015)، اجتماعات سکونتگاه‌های غیررسمی و غیرقانونی شهرها (karan et al., 1980) می‌تواند عدالت فضایی و اجتماعی را در برنامه‌ریزی و مدیریت فضای شهری بازگو کند. رویکرد تطبیقی نقشه‌های ذهنی ساکنان سکونتگاه‌های رسمی در مقابل سکونتگاه‌های غیررسمی شهر به منظور توسعه جوامع شهری استفاده می‌شود؛ مطالعه‌ای از شباهت‌ها و تفاوت‌ها که در آن‌ها فضای ذهنی گسسته میان ساکنان رسمی و غیررسمی شهر بیشتر نمود می‌یابد و رسیدن به نقشه‌هایی ذهنی که بازنمایی فضای ادراکی این ساکنان است. در واقع مطالعه نقشه‌های ذهنی، توجه به این بعد فضای نقشه شهر نزد ساکنان شهر، ضرورت توسعه همگون شهرها و آغاز دگرگون کردن مفهوم شهر از پدیده‌ای دویعدی و کاغذی-چنانکه مرسوم نقشه‌کشان شهری بوده- به پدیده‌ای چندبعدی و همراه آن زندگی اجتماعی در میان گروه‌های مختلف شهری است. در نهایت رسیدن به نقشه‌ای عمیق حاکی از روابط تولید فضا، دانش و قدرت در بازنمایی نقشه ذهنی گروه‌های مختلف شهری مدنظر برنامه‌ریزان است؛ نقشه‌ای که نشانه عمق و شدت تجارب فضایی انسان از شهر است. جست‌وجوی جریان‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیرساختارهای ذهنی و در نهایت تخمین ریز مقادیر و کیفیت‌ها یا تحلیل روندها نیز مبنای عمل برنامه‌ریزان قرار می‌گیرد. در این مطالعه، با بررسی تطبیقی نقشه‌های ذهنی دو گروه ساکنان رسمی منطقه ۱ و ساکنان غیررسمی منطقه ۴ شهر رشت، نتایجی در مورد تحلیل ادراکی از فضای فیزیکی این دو جامعه به دست آمد؛ به گونه‌ای که این دو گروه در شهر رشت از نظر فضایی، تاریخی و اجتماعی رویکرد متفاوتی با متن شهر دارند.

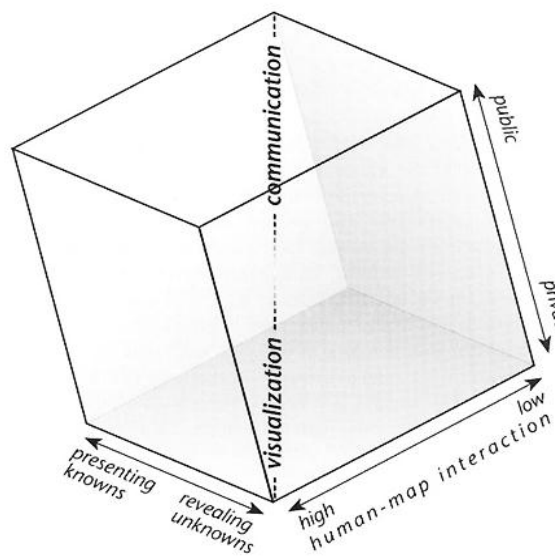
مبانی نظری پژوهش

در طول تاریخ، محسوس‌ترین رابطه میان قدرت و علم جغرافیا به دنبال تهیه نقشه و نام‌گذاری مکان‌های جدید شکل

1. Critical Cartography
2. Collaborative Mapping
3. Top-Down
4. Bottom-Up GIS
5. Qualitative GIS

گرفته است. قدرت‌های حاکم به کمک نقشه‌ها، کنترل سرزمین‌های تحت حکومت خود را با دانش کارتوگرافی (علم شاهزادگان) عملی می‌کنند. براساس مطالعات جدید جغرافی‌دانان، نقشه‌ها ابزار عملی و بخش مهمی از تکنیک‌های دولتی هستند (Dodge et al., 2014). در این باره پژوهشگرانی از جمله بلانشو، وستفال، تالی و مورتی با تحلیل نقشه‌ها به‌عنوان متن، به بازنمایی فضای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... جوامع مختلف در نقشه‌های تهیه‌شده در دوران گوناگون پرداختند. به اعتقاد آن‌ها دانش نقشه‌برداری بی‌طرفانه نیست و این نقشه‌ها (متن‌ها) به کمک متخصصان (نقشه‌کشان) با علم کارتوگرافی (دانش) در دست قدرت (دولت) برای بازنمایی فضایی القا می‌شده است. تأکید بر عملکرد نقشه‌ها، رویکردی جدید را در جغرافیای انتقادی به‌وجود آورد (Crampton, 2001)؛ به‌گونه‌ای که امروزه پیچیدگی قدرت و دانش در ساخت نقشه‌ها اجتناب‌ناپذیر است. در این رویکرد، نقشه‌ها به‌طور ساده تنها برای تعیین قلمروها استفاده نمی‌شوند، بلکه ابزاری تکنیکی برای مفهوم‌سازی جهان به‌عنوان روابط اجتماعی-فرهنگی در زمان و مکانی خاص هستند (Worms, 2014). همچنین نقشه‌ها متن‌های اجتماعی پیچیده و چندگانه‌ای محسوب می‌شوند و به همین دلیل، دیدگاه‌ها و قضاوت‌های افراد و جوامع آن‌ها را می‌سازد (Harley, 1988).

در چند دهه گذشته، با ظهور نقشه‌برداری انتقادی، تمرکز کارتوگرافی از تأکید بر نقشه‌ها به‌عنوان مصنوعات، به درک غنی فرایندهای اجتماعی و شناختی رسیده است (Perkins, 2004). تفاوت میان کارتوگرافی جدید و سنتی را می‌توان به کمک مفهوم «مکعب کارتوگرافی» تفهیم کرد که روش شناخت انواع مختلف کاربرد نقشه‌هاست. این مکعب شامل سه بعد خصوصی-عمومی، تعامل یا هم‌کنش زیاد-تعامل یا هم‌کنش کم و کاوش شناخته‌شده‌ها-کاوش ناشناخته‌هاست (شکل ۱).



شکل ۱. مکعب کارتوگرافی

منبع: Mac Eachren and Fraser Taylor, 1994

کارتوگرافی سنتی بر استفاده عمومی، تعامل کم و کاوش شناخته‌شده‌ها و کارتوگرافی جدید بر استفاده شخصی، تعامل بالا و کاوش ناشناخته‌ها تأکید دارند (همان). امروزه کارتوگرافی انتقادی با رویکرد جدید خود نقشه‌های مبتنی بر جوامع را تکنیکی برای تحلیل فضایی دانسته و طیف وسیعی از گونه‌های نقشه‌برداری شناختی-اجتماعی را در جغرافیای انسانی به‌وجود آورده است. در دهه ۱۹۶۰، اندیشمندان پست‌مدرن مطالعات نقشه‌های ذهنی را با شیوع نهضت رادیکالی به‌منظور تغییرات اجتماعی مرتبط با دو جزء محیط مادی زندگی و ارتباطاتی که آن را به‌وجود می‌آورد مدنظر قرار دادند (Knabb, 1981: 22). واژه «نقشه ذهنی» را تالمن در اواخر دهه ۱۹۴۰ مطرح کرد (Tuan, 1975: 206) و این واژه به‌صورت شناخته‌شده‌تر در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ با روش‌ها و اهداف مشابه مطرح شد. دبور^۱ در پاریس و لینچ در ایالات‌متحده با بررسی این موضوع قصد داشتند تشریحی عینی از رابطه میان زندگی شهری و زندگی روحی افراد را در شهرهای مدرن نشان دهند. هر دو پژوهشگر نیز از طرح‌های توسعه پس از جنگ انتقاد کردند (Wood, 2010). تحقیق دبور جنبشی رادیکالی برای تغییرات اجتماعی بود (Knabb, 1981: 22). با توسعه پژوهش‌های «جغرافیای روانشناسی»^۲ دبور^۳ امید بود که این جنبش شناخت محیط منحصربه‌فرد و موقعیت‌های گوناگون شهری را به‌کمک پژوهش و آزمایش و در نتیجه «گسترش بخش غیرمعمول زندگی»^۳ گسترش دهد. درحقیقت پروژه نقشه‌برداری ذهنی دبور، سفر در چشم‌انداز شهری به‌منظور تغییر بینش و بررسی آثار روان‌شناختی فضای شهرها بود. همچنین در دهه ۱۹۶۰ لینچ فضای مادی شهر را در نقشه‌های ذهنی به‌کمک عناصر فضایی مانند نشانه، گره، لبه، راه و محدوده تحلیل کرد. برای لینچ فضای شهرها در محدوده فضای نخست گنجانده می‌شد (Lynch, 1960a). وی با مصاحبه و طراحی نقشه‌های ذهنی از سوی ساکنان بوستون، لس‌آنجلس و نیوجرسی (Wood, 2010: 194) به مطالعه این بعد فضا پرداخت. مطالعات لینچ و دبور با ظهور نقشه‌برداری انتقادی در جغرافیا به پایان نرسید، بلکه با تصحیحات روش‌شناسی پسا‌ساختارگرانه در حوزه تحلیل گفتمان فضای نخست شهری قرار گرفت. از این نظر مطالعات فضای نخست-فیزیکی شهر از تمرکز صرف بر شهر به‌مثابه موضوعی که بتوان آن را به‌صورت روش‌های کمی سنجید تغییر کرد و بر درکی کیفی‌تر از فرایندها و رویه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فضایی، تاریخی و فرهنگی متمرکز شد؛ بدین معنا که نمی‌توان نشانه و نمادهای شهری در نقشه‌های ذهنی را در تقابل با نوعی مفهوم فضای مادی به‌عنوان سازه تعریف کرد. بلکه جنبه‌های فضای نخست-فیزیکی از دل روابط گفتمان‌ها قابل بازنمایی است. در مطالعات نقشه‌های ذهنی، این رویکرد به‌مراتب چشم‌انداز برتری در بررسی و تحلیل فضاوندی شهری دارد. این گفتمان را جغرافی‌دانان در دهه ۱۹۸۰ وارد مطالعات فضایی کردند (Tuan, 1974). در مطالعات جغرافی‌دانان انسانی با توجه به آنچه به‌عنوان چشم‌انداز نخستین فضای درک‌شده^۴ توصیف می‌شود، فضای شهری می‌تواند مجموعه‌ای از «کنش‌های فضایی» مادی و مطلق باشد که هماهنگ با هم عمل می‌کنند تا فرم ضمنی و الگوهای ویژه‌ای از شهرنشینی را به‌عنوان شیوه‌ای از زندگی تولید و بازتولید کنند. در اینجا فضای شهری به‌طور فیزیکی و تجربی به‌منزله فرم و فرایند، پیکربندی‌های قابل‌ارزیابی و قابل‌ترسیم و فعالیت‌های زندگی شهری درک می‌شود (McCann, 1999: 172).

1. Debord

2. Psychogeography

3. Extend the Non-Mediocre Part of Life

4. Perceived

معرفت‌شناسی فضای نخست می‌تواند رمزگشایی از تحلیل فضا‌مندی شهر باشد. در مورد فضای نخست، هاروی (۱۹۶۹) آن را فضای مطلق، تجربی و دکارتی می‌داند؛ یعنی مطابق با ثبات (موقعیت جغرافیایی) - همان‌گونه که موقعیت شیء در فضا به‌واسطه مختصات دکارتی نشان داده می‌شود - تعریف، تحلیل و کمی شده است. این فضا، فضای تجربه و فضای ادراک فیزیکی است (Harvey, 1969). لوفور این بعد فضا را عمل فضایی یا فضای شناخت تجربی می‌نامد (Lefebvre, 1991). برای سوچا این بعد عملکرد فضایی است؛ یعنی فضایی که تولید و بازتولید مکان‌هایی خاص را در برمی‌گیرد و مجموعه‌های فیزیکی از صورت‌بندی فضایی را تعریف می‌کند. عملکرد فضایی تداوم و تاحدودی انسجام و سطح تضمین‌شده‌ای از رقابت و سطح خاصی از عملکرد را تعیین می‌کند (Soja, 1996: 10). همچنین فرایند تولید شکل مادی فضای اجتماعی است؛ بنابراین خروجی و میانجی فعالیت، رفتار و تجربه انسانی است. عملکرد فضایی، فرآورده‌ای مادیت‌یافته و اجتماعی است و فضای تجربی خانه‌ها، خیابان‌ها، میدان‌های شهری، پارک‌ها، جاده‌ها، مغازه‌ها، پارکینگ‌ها، خیابان‌ها و... را در شهر در برمی‌گیرد. در واقع عملکرد فضایی اولین فضایی است که امور تکرارشونده زندگی روزمره، شبکه‌ها، محیط کار، زندگی عمومی و فراغت را به هم پیوند می‌زند (Jayne, 2006). فضای نخست از عناصر طبیعی و انسان‌ساخت موجود در سایت‌ها تشکیل شده است (Earnshaw, 1994). سوچا این فضا را شامل مناطق، جریان‌ها، شبکه‌ها، نقاط و سطوح می‌داند (Soja, 1996: 75).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به‌دلیل مناسبت با موضوع مورد مطالعه یعنی نقشه‌برداری ذهنی افراد از شهر، کیفی است. در این پژوهش، دو گروه ساکنان رسمی منطقه ۱ و ساکنان غیررسمی منطقه ۴ شهر رشت بررسی شدند و حجم نمونه به‌کمک پیشینه موضوع (Worms, 2014)، ۶۰ نفر برای ساکنان رسمی منطقه ۱ و ۶۰ نفر برای ساکنان منطقه ۴ رشت به‌صورت جداگانه در نظر گرفته و بر پایه نمونه‌گیری نظری تأیید شد. برای برداشت اطلاعات از دو روش «مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مشاهده» استفاده شد که روش‌های شناخته‌شده پژوهش‌های نقشه‌های ذهنی میان جغرافی‌دانان انسانی محسوب می‌شود (Bagheri, 2014). در این پژوهش به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های برداشتی مصاحبه‌ها، گفت‌وگوها، یادداشت‌ها و عکس‌ها از GIS کیفی (QGIS)^۱ استفاده شد. برای واردکردن اطلاعات برداشتی نقشه‌های ذهنی در نقشه پایه در GIS ضروری است ابتدا اطلاعات برداشت‌شده در نقشه‌ها، متن‌ها، یادداشت‌ها، عکس‌ها و ویدئوها کدگذاری شوند. بسته‌های کمی GIS معمولاً از عملکرد کیفی داده‌ها و تجزیه و تحلیل‌های آن‌ها پشتیبانی نمی‌کنند. معمولاً این تحلیل‌ها به‌کمک سیستم‌های تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی کامپیوتری (CAQDAS)^۲ مانند ATLAS.ti و NUD*IST صورت می‌گیرد (Ding and Kwan, 2004: 446). در این روش، مصاحبه به‌صورت متن، تصویر، صوت و ویدئو قابل کدگذاری است. در نهایت داده‌های کیفی کدگذاری‌شده به‌کمک روش‌های GIS کیفی با اطلاعات پایگاه داده جغرافیایی ترکیب می‌شوند.

در این مرحله، کدگذاری به‌کمک نرم‌افزار ATLAS.ti صورت گرفت و پس از واردکردن اطلاعات برداشتی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش ژئوتجسمی سطوح تراکم^۳ استفاده شد. سطوح تراکم، روشی برای تحلیل تراکم و توزیع

1. Qualitative GIS

2. Computer-aided qualitative data analysis systems

3. Density Surfaces

فضاهاست که یکی از جنبه‌های GIS در استفاده از نرم‌افزارهای نسخه‌های تحلیل متن کیفی محسوب می‌شود (Knigge and Cope, 2006). این روش برای توجیه و استفاده از پژوهش‌های شناختی در جغرافیا استفاده شده است (Kwan, 2008). ساختار مراحل جمع‌آوری داده‌ها در روش سطوح تراکم در پژوهش‌های نقشه‌های ذهنی معمولاً بر نقشه‌برداری کروکی‌وار^۱ و مصاحبه (سمعی، شفاهی، آنلاین و...) مبتنی است. در این روش، نشانه‌های نقشه‌های ذهنی معمولاً بر بصورت سطوح تراکم نقطه‌ای نمایش داده می‌شوند که این سطوح می‌تواند نشان‌دهنده ارتباط و جریان میان نشانه‌ها باشد. براساس الگوی برآورد در روش سطوح تراکم، هر عارضه هندسی شامل نقطه، خط و سطح از کانون مشخصی برخوردار است که شعاع این کانون با توجه به شدت و ضعف عارضه ممکن است متفاوت باشد. ارتفاع هر عارضه با توجه به طبقه یا کلاس خود مشخص می‌شود؛ به‌گونه‌ای که مناطق مرتفع بر فایل با توجه به توزیع نرمال نقاط عوارض در کانونی مشخص نمایش داده شود.

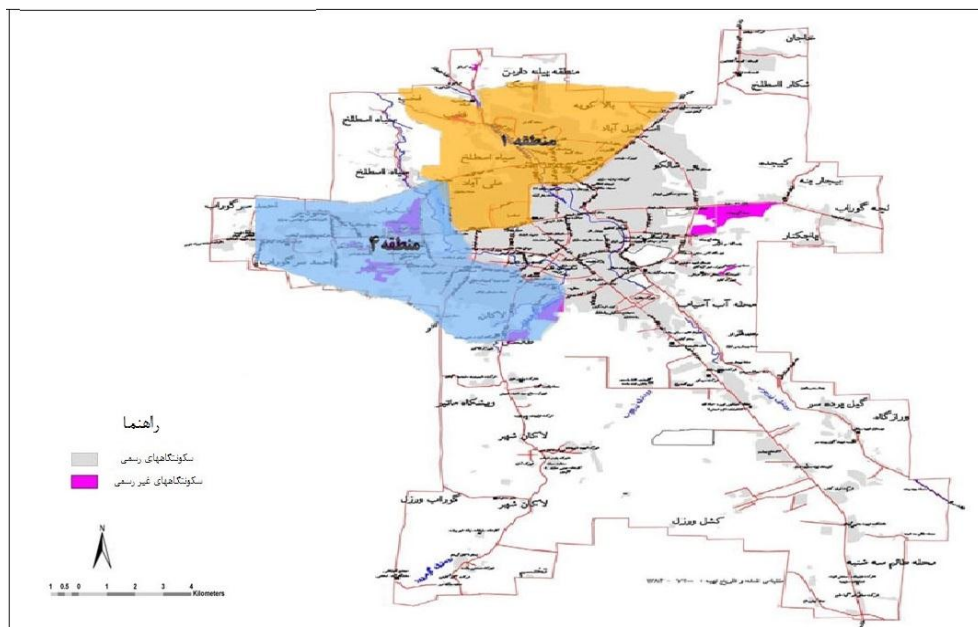
محدوده مورد مطالعه

در این مطالعه، محدوده رسمی منطقه ۱ و غیررسمی منطقه ۴ شهر رشت مدنظر است. منطقه ۱ (رسمی) شهر رشت در شمال غرب این واقع شده است. این منطقه کوی عرفان، کوی بهشتی، کاکتوس گلزار، بلوار گیلان، کوی حسینی، گلزار، بوسار، کوی گل‌ها، کوی آزادگان، کوی علی‌آباد و رجایی، بلوار سمیه، بلوار توحید، بلوار گیلان، بلوار نماز و بلوار دیلمان و خیابان معین (بلوار سنبل) را شامل می‌شود. این مکان در ابتدا شالیزار بود که از اواخر دهه ۴۰ به‌منظور عمران و آبادی در بخش خصوصی قرار گرفت. آبادانی این منطقه ابتدا با ساخت خانه‌های ویلایی با متراژ بالا آغاز شد. نخستین کلنگ شهرسازی را «غلامرضا عون جزایری» استاندار وقت در تیرماه سال ۱۳۵۱ به زمین زد. در ابتدا بوسار شکل گرفت که بزرگ‌ترین شهرک‌های بزرگ رشت در آن ساخته و به‌سرعت به محل سکونت افرادی از طبقات متوسط شهری تبدیل شد. منطقه ۱ شهر رشت مرفه‌نشین‌ترین منطقه است که همچنان محبوبیت خاصی در میان ساکنان این شهر دارد. این محبوبیت سبب شده تا انبوه‌سازان توجه خاصی به این منطقه داشته و ساخت‌وسازهای بی‌شماری در مدت کوتاه داشته باشند؛ به‌طوری‌که جمعیت این منطقه به‌سرعت در حال رشد است (سازمان عمران و بهسازی شهری، ۱۳۸۴).

محله‌های غیررسمی منطقه ۴ شامل کوی جماران، سلیمان‌داراب، صفه‌سر، معلولین، پاسکیاب، کوی حافظ‌آباد (کوی شهید دانش حجتی)، نخودچر، استخر عینک، حمیدیان، ولکس و... است (پورآقایی، ۱۳۸۵؛ شعبان‌پور، ۱۳۹۴). نداشتن سند مالکیت، مشکلات پوشش معابر، عدم امکان احداث سیستم دفع فاضلاب و جمع‌آوری زباله، فقر و سطح کیفیت پایین زندگی از عمده مشکلات ساکنان این محله‌هاست (عیوضی، عنبری و یوسف‌پور، ۱۳۹۵؛ احمدی چالسر، ۱۳۹۶). ترکیب جمعیتی این مناطق در شهر رشت، ترک‌های آذربایجان شرقی و خلخال، کردها، رودباری‌ها یا تالشی‌ها و... هستند که در مناطق خاصی از شهر تجمع دارند. از این میان، ترک‌ها تقریباً در بیشتر مناطق شهر حضور پررنگی دارند (منوری، ۱۳۶۹).

در حال حاضر، ۸۰ درصد سکونتگاه‌های غیررسمی در منطقه ۴ شهر رشت قرار دارد. تقاضا برای زمین و مسکن در این نقاط، با توجه به مهاجرت فراوان به شهر در طول دوره‌های گوناگون و به‌طور کلی رشد جمعیت شهر مداوم با افزایش روبه‌رو

بوده است (مهندسان مشاور طراحان راهوند شهر، ۱۳۸۸). این امر سبب شد تا این اراضی در طول زمان با ساخت‌وساز و تفکیک غیرمجاز اراضی به بافت‌های حاشیه‌ای تبدیل شود (مهندسين مشاور طرح و کاوش، ۱۳۸۶). محله‌های مورد نظر در نقشه ۱ به‌عنوان منطقه مورد مطالعه دو گروه ساکنان رسمی منطقه ۱ و ساکنان غیررسمی منطقه ۴ شهر رشت آمده است.



نقشه ۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه
ترسیم: نگارندگان

یافته‌های پژوهش

در مبحث فضای اول، بر فضای ادراک‌شده فیزیکی موازی با برخورد فضایی ساکنان شهر رشت تأکید شده است. تجربه روزانه متأثر از فعالیت نشان می‌دهد جهان در فضای عینی چگونه در شناخت ساکنان شهر رشت اثر دارد. این فضا واقعیت عینی خارجی است که محسوسات انسان به آن از وجودش خبر می‌دهد. حواس ما نیز آن را کپی، عکاسی و منعکس می‌کند و خود آن مستقل از ما وجود دارد. در اینجا فضای ادراکی شهروندان شهر رشت بازنمایی تجربه حسی از محیط عینی (فیزیکی) است. واقعیت فضا در اینجا چیزی خارج از شناخت عینی و فیزیکی محیط نیست، بلکه فضا مندی مادی و فیزیکی است که به‌طور مستقیم و به روش تجربی درک می‌شود. فضای مادی و چشم‌انداز آن نشان‌دهنده روابط تاریخی، سیاسی و اجتماعی است. در واقع در اینجا، معرفت‌شناسی فضای نخست به بعد مادی برتری می‌دهد. نتایج جغرافیای انسانی محیط ساخته‌شده معمولاً منابع ساده معینی برای مجموعه شناخت فضایی نخست ارائه می‌دهد که پژوهشگران به کمک آن‌ها به تحلیل فضای شهری می‌پردازند. در پژوهش حاضر، برای رسیدن به نتایج تحلیل این فضا، پس از مرحله سنجش وضعیت، با استفاده از مصاحبه، تکنیک نقشه‌برداری کروکی و عکس‌برداری به بررسی ادراک ذهنی ساکنان شهر رشت از فضای فیزیکی شهر نزد شهروندان پرداخته شد؛ به‌گونه‌ای که پس از طراحی نقشه‌ها، نام اماکن مرتبط با عمل فضایی آن‌ها نوشته و در مرحله پایانی از این مناطق عکس‌برداری می‌شود.

در نقشه‌های ذهنی به‌دست‌آمده، ستون فقرات شهر رشت به‌صورت محور اصلی (شمالی-جنوبی) آمده است. اصلی‌ترین خیابان شهر در نقشه‌های شرکت‌کنندگان که از جنوب به مرکز شهر می‌رسد خیابان امام است. پس از آن در امتداد به سمت شمال شهر به‌کمک خیابان سعدی و خیابان شهید انصاری با چند انحنا به منطقه گلسار به شکل متصل نمایش داده شده است. میدان شهرداری و سبزه‌میدان در مرکز این محور قرار گرفته‌اند. عناصر دو گروه ساکنان در برخی موارد مشترک‌اند. برخی از آن‌ها نیز برای هریک از گروه‌ها ویژه محسوب می‌شده است که این عناصر ساختار اصلی شهر را نمایش می‌دهند. اگر ابتدا این محور را با ورودی شهر از طرف بزرگراه تهران-قزوین در نظر بگیریم، انواع گوناگون بافت کالبدی در جاده به‌خوبی مشهود است. نخستین عناصر فیزیکی درشت‌دانه از جمله کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و نمایشگاه‌ها نمایش داده شده است. این عناصر در بخش ورودی شهر از جنوب آغاز می‌شوند. گستردگی فعالیت‌های صنعتی و ورودی شهر رشت از سمت تهران از جمله ویژگی‌های بارز این هسته است. این منطقه از عنصر دانشگاه گیلان آغاز می‌شود و تا میدان گیل ادامه می‌یابد و بیشتر مورد توجه ساکنان غیررسمی شهر است. این هسته که جزو منطقه پنج شهری است، در مسیر خود عناصر فیزیکی گوناگونی مانند کارخانه سیمکو، باغ رضوان، نیروی انتظامی، راهنمایی و رانندگی، بیمارستان حضرت رسول اکرم و اداره جهاد کشاورزی را دربرمی‌گیرد. از عناصر شاخص این منطقه می‌توان به نمایشگاه بین‌المللی در این مسیر اشاره کرد که مدنظر تعدادی از ساکنان رسمی شهر است؛ به‌ویژه با عرضه محصولات گوناگون در ماه‌های مختلف که بازدیدکنندگان را به خود جذب می‌کند. بخش‌های کارخانه‌های صنعتی مانند سیمکو، گیل آرد، صنایع غذایی و... بخش‌های مورد توجه گروه کارگران (ساکنان غیررسمی) پژوهش است (شکل‌های ۲ و ۳). این عناصر به‌دلیل ارتباط با محل کار برخی ساکنان غیررسمی مدنظر قرار گرفته‌اند. این کارخانه‌ها بخش وسیعی از نیروی کارگر را در شهر رشت به خود جذب کرده‌اند و به‌عنوان بخش تولیدی به‌ویژه از سوی مردان سکونتگاه‌های غیررسمی نمود یافته‌اند.

برخی عناصر مانند راهنمایی و رانندگی، باغ رضوان، نیروی انتظامی و ترمینال شهر از شاخص‌های مشترک در نقشه‌های ذهنی دو گروه ساکنان است. این عناصر فیزیکی با توجه به برنامه‌ریزی شهری معاصر به‌منظور برخورداری حاشیه شهر به اراضی وسیع و دسترسی به اتوبان فراشهری در مناطق بیرون شهر مکان‌یابی شده‌اند. چنین عناصری که به‌دلیل ماهیت فرامنطقه‌ای خود، مرتبط با نیازهای شهر در بیرون شهر توسعه یافته‌اند، نمود مشترکی در نقشه‌های ذهنی دو گروه دارند. درواقع آن‌ها از ملزومات زندگی شهری هستند که ممکن است هر فردی آن‌ها را شناسایی کند و هر طبقه شهری در طول زندگی شهری خود با آن‌ها در ارتباط باشد؛ بنابراین ماهیت خاصی را برای قشری ویژه نشان نمی‌دهند.

هسته بعد در ادامه از میدان گیل آغاز می‌شود و به‌موازات بلوار امام از دو طرف تا میدان مصلا ادامه می‌یابد. از مشخصه‌های بارز این منطقه، کارخانه‌ها و اداره‌های متعدد مانند کارخانه پارس‌خزر و پارس‌شهاب و سازمان آب و برق، چند ساختمان بیمه، محله‌های سنگ‌سازی (کوچه‌های فرشته و رسالت)، باهنر و عاشوری در نقشه‌های ذهنی شرکت‌کنندگان است که از نشانه‌های متمایز محسوب می‌شوند. وجود مصلا و به‌ویژه کارخانه پارس‌خزر (توشیبا) از نشانه‌های این منطقه است که از قدیم ورودی شهر رشت را تعریف می‌کردند. افزون‌بر نقشه‌های ذهنی در اطراف بلوار امام تا میدان مصلا، مجتمع‌های مسکونی کوچک و بزرگ مرتبط با اداره‌ها و کارخانه‌ها وجود دارد که ویژه کارمندان ساخته شده است؛ مانند کوی فرهنگیان، مجتمع مسکونی پاسداران، مجتمع مسکونی عباس‌پور و شهرک منتظری که به‌صورت منظم و ازپیش برنامه‌ریزی شده با بافت شطرنجی و همگون در میان بافت قدیمی شکل گرفته‌اند.

در ادامه با حرکت به شمال محور، به دومین هسته تمرکز عناصر فیزیکی در نقشه‌های ذهنی ساکنان شهر رشت می‌رسیم. این هسته در ادامه بلوار امام به سمت شمال تا چهارراه حشمت کشیده شده است. در ادامه حرکت از ورودی جنوب شهر (بزرگراه تهران-قزوین)، کاربری‌های تجاری به‌ویژه بانک‌ها و هتل‌ها در نقشه‌های ذهنی از میدان مصلا (توشیبا) مشخص هستند. این روند تا چهارراه حشمت به کاربری‌های اداری ختم می‌شود. هتل پامچال، هتل پردیس و کمی داخل تر هتل کادوس، با حجم و کالبدی متمایز به‌صورت نمادی با فعالیتی خاص در اذهان ساکنان رسمی شهر مطرح هستند. همان‌طور که بیان شد، بسیاری از عناصر شامل بانک‌ها و ساختمان‌های بیمه این هسته را در خیابان امام پوشش داده‌اند (شکل‌های ۴ و ۵). بانک قوامین عنصری شاخص و متمایز است که با نمایی قرمز رنگ در میدان توشیبا برای ساکنان رسمی و غیررسمی نمایان است. همچنین تسلط بانک‌هایی از قبیل صادرات، رفاه کارگران و... در طول این هسته تا چهارراه حشمت در نقشه‌های ذهنی ساکنان رسمی آمده است.



شکل ۳. کارخانه گیل آرد



شکل ۲. کارخانه سیمکو



شکل ۵. بانک تجارت



شکل ۴. بانک قوامین

به‌جز بانک‌ها و اداره‌ها، برخی عناصر مانند سازمان تأمین اجتماعی و مجتمع دخانیات در طول این هسته مدنظر تعدادی از ساکنان غیررسمی بوده است. این عناصر در ارتباط با خدمات سازمان تأمین اجتماعی به بخش کارگر جامعه نیز مورد توجه بوده است. در این رابطه کلینیک درمانی تأمین اجتماعی در نزدیکی میدان فرهنگ هم‌سو با این مرکز به نمایش گذاشته شده است. هرچند سازه‌های بانک‌ها، بیمه و... در نقشه ساکنان رسمی به‌وفور مدنظر قرار گرفته است، ساکنان غیررسمی از عناصر فیزیکی ویژه‌ای در این منطقه برخوردار بوده‌اند.

در این هسته، عناصر غالب در ادامه بلوار امام کمی به سمت قسمت غربی این بلوار جهش یافته‌اند. از این میان شرکت‌کنندگان، بلوار حافظ و نامجو را به‌صورت شعاعی و خیابان‌های پرستار و بلوار آزادی (منظریه) را به‌موازات هم به

بلوار امام متصل کرده‌اند. در میان این حلقه‌ها در قطاع اول نزدیک به مرکز، یکی از اداره‌های دانشگاه علوم پزشکی و بیمارستان پورسینا و نزدیک به آن بیمارستان توتونکاران، بیمارستان‌های الزهرا و ۱۷ شهریور، همچنین عناصر غیردرمانی مانند پارک شهر و ورزشگاه عضدی به‌عنوان شاخص‌های نقشه‌های ذهنی شرکت‌کنندگان، این قسمت را به‌منزله مراکز درمانی شهر در نقشه‌های ذهنی دو گروه نشان داده‌اند (شکل‌های ۶ و ۷)؛ به‌گونه‌ای که بخش خصوصی درمانی مانند مطب‌ها، درمانگاه‌ها، کلینیک‌های خصوصی و... متناسب با بخش دولتی در این قسمت متمرکز شده‌اند.



شکل ۷. مرکز آموزش درمانی پورسینا



شکل ۶. مرکز آموزش درمانی الزهرا

وجود انبوهی از این مراکز درمانی خصوصی در مقابل بخش دولتی، بیشتر از آرایش ساده فضاهای شهری است؛ به‌گونه‌ای که رقابت تجاری‌سازی فضا در این منطقه در بخش درمانی شکل گرفته است. در اینجا عناصر شاخص به‌جز بخش درمانی در میان ساکنان رسمی شهر شدت بیشتری می‌گیرد. ساکنان غیررسمی بیشتر بر خیابان‌ها تأکید دارند و درواقع بیشتر آنان از میدان توشیبا تا میدان حشمت را با نشانه‌های کمتری (به‌جز خدمات درمانی) نشان داده‌اند.

در قسمت غربی محدوده مورد نظر در مجاورت بلوار نامجو، شاخص‌های ورزشگاه شهید عضدی با عملکرد فرامنطقه‌ای و پارک شهر به‌عنوان عناصر کالبدی متمایز و تأثیرگذار بوده‌اند. پارک شهر به‌منزله فضای سبز تفریحی، بر دیگر کاربری‌های اطراف خود تأثیر گذاشته است؛ به‌طوری‌که در اطراف این پارک یا در راستای خیابان‌های اطراف آن، بیشتر کاربری‌ها اغذیه‌فروشی هستند. این دو عنصر، تفاوتی را در نقشه‌های ذهنی ساکنان رسمی و غیررسمی نشان نمی‌دهند و می‌توان آن‌ها را به‌وفور به‌صورت مشترک در نقشه دو گروه (به‌ویژه پارک شهر) مشاهده کرد.

قسمت غربی شهر محل سکونت ساکنان غیررسمی شهر رشت است. در این منطقه شهری، نقشه‌های ذهنی ساکنان با فضای زندگی‌شان مرتبط است که بسیار محلی و ویژه به‌شمار می‌آید. این محدوده نوعی شمایل‌نگاری‌های مرتبط با طبقه کارگری (غیررسمی) دارد؛ درحالی‌که چند فروشگاه و عرضه‌کننده محصولات مرتبط با سبک زندگی جدید امروزی در آنجا مشاهده می‌شود، اما این ناحیه تحت استیلای فروشگاه‌های کوچک، چای‌خانه‌ها و قلیان‌سراها، قصابی‌ها و... است. همچنین مکان‌های زیر ساختار این منطقه شهر را در نقشه ذهنی ساکنان غیررسمی تشکیل داده‌اند: کارخانه چوب، یخ‌سازی، مغازه‌های محلی مانند نانوايي احمدی، نانوايي سلطانی، سوپرمارکت صفری و بازار میوه و تره‌بار سلیمان‌داراب...، کافه‌ها و چای‌خانه‌ها و خیابان با دسترسی محلی مانند کوچه آسایش، قبادی، قربانی‌زاده، شهید تندگویان و... فضای سبز و مناطق پاتوقگاه از قبیل پارک گل‌ها، پارک دانشجو، پارک بهار و... محله‌های شهری مانند احمدگوراب، قاسمیه، حمیدیان، استقامت، رازی و... (شکل‌های ۸ تا ۱۱).



شکل ۹. حسینیه امام حسین



شکل ۸. مجتمع دخانیات



شکل ۱۱. پاتوق پارک گل‌ها



شکل ۱۰. دکل برق و ایستگاه اتوبوس

در قسمت دیگر این هسته در طرف شرق (توشیبا-میدان حشمت) بلوار دیلمان، میدان ولی‌عصر، اتوگالری‌ها و کارواش‌ها، بازارهای میل، شهرک بنفشه، منطقه فرزانه و جانبازان، ایستگاه انزلی و... وجود دارد (شکل‌های ۱۲ تا ۱۵). این منطقه مدنظر ساکنان رسمی بوده است؛ به‌ویژه مناطق تخصصی تعمیرات خودرو، کارواش، اتوگالری‌های و بازارهای میل در این منطقه که تعداد آن‌ها در بلوار انصاری، بلوار دیلمان، مدرس و... بسیار زیاد است. در نقشه‌های ذهنی ساکنان سکونتگاه‌های رسمی منطقه شهر به این منطقه اشاره شده است. مناطق جانبازان، ایستگاه انزلی، نیروی دریایی، پل عراق، خواهر امام و... از مناطق مشترک در نقشه‌های ذهنی دو گروه ساکنان در این منطقه محسوب می‌شود.



شکل ۱۳. کارواش استارواش



شکل ۱۲. منطقه فرشته



شکل ۱۵. مجتمع تجاری احمدی



شکل ۱۴. مجتمع تجاری دیلمان

با ادامه بلوار امام در قطاع دوم هسته از میدان فرهنگ تا حشمت به چند عنصر مشترک در نقشه‌های ذهنی می‌رسیم. در این قطاع همچنان روند ساختمان بانک‌ها ادامه دارد؛ با این تفاوت که عناصر اداری در این منطقه نمود می‌یابند. برخی از این ادارها به صورت پراکنده در نقشه‌های ذهنی دو گروه به نمایش گذاشته شده‌اند. در این قسمت عنصر خیابان قوی‌تر از نشانه است؛ به گونه‌ای که در نقشه ذهنی ساکنان رسمی (به جز خیابان امام) این خیابان‌ها و میدان‌ها به خوبی مشاهده می‌شوند (شکل‌های ۱۶ و ۱۷).



شکل ۱۷. بلوار حافظ



شکل ۱۶. میدان فرهنگ

با ادامه محور بلوار امام از چهارراه حشمت، به بخش مرکزی محور نقشه ذهنی ساکنان شهر رشت می‌رسیم. این منطقه محله‌های قدیمی و مرکزی شهر را شامل می‌شود که بیشترین عناصر فیزیکی تجاری از دیگر نقاط شهر به شمار می‌آیند و بیشتر عملکرد آن‌ها فرامنطقه‌ای و شهری است. همچنین متقاضیانی از تمام شهر به این مکان مراجعه می‌کنند. در نقشه‌های ذهنی شرکت‌کنندگان، کاربری‌های تجاری-اداری این منطقه علاوه بر راسته خیابان‌های اصلی امام به داخل خیابان‌های فرعی و کوچه‌ها نیز نفوذ کرده و بر طراحی بافت و کالبد درونی محله‌ها تأثیر بسیاری گذاشته است. در نقشه‌های شرکت‌کنندگان، خیابان‌های امام خمینی، ۲۲ بهمن، شریعتی، طالقانی (بیستون)، خیابان‌های اصلی این منطقه را تشکیل داده‌اند و به میدان‌های اصلی شهر (شهرداری-سبزه میدان) می‌رسند. خیابان‌ها و کوچه‌های دیگر به صورت عمودی یا سهرایی و با خوانایی کمتر به این خیابان‌ها متصل شده‌اند. با حرکت از ابتدای این هسته در اطراف فلکه دکتر حشمت، کاربری‌های اداری با وجود تعداد بسیار، حجم کمی از فضای نقشه‌ها را اشغال کرده‌اند. همچنین می‌توان گفت نشانه‌های شهری در ابتدای این منطقه، بانک‌ها و ساختمان‌های بیمه، همراه با بخش تجاری هستند.

در ادامه، فضاهای گذار تجاری تا مرکز شهرداری کشیده شده است. کاربری‌های تجاری واقع در راستای خیابان‌های اصلی اهمیت بیشتری در نقشه‌ها دارند و مکمل بازار اصلی شهر در نقشه‌های ذهنی شرکت‌کنندگان هستند. عناصر میدان شهرداری و سبزه‌میدان نیز مرکز این منطقه شمرده می‌شوند. علاوه بر این، در نقشه ذهنی شرکت‌کنندگان، خیابان مطهری با عناصر به شدت تجاری، میانه این منطقه را دربرگرفته است (شکل‌های ۱۸ و ۱۹). با رسیدن به میدان شهرداری فضای تجاری ثابت‌تری به دو طرف (سبزه‌میدان و بازار) کشیده شده است.

در میان طرح شرکت‌کنندگان، سبزه‌میدان فضایی باز و عمومی است. تمرکز عناصر آموزشی و کتابخانه‌ها و وجود چند سالن سینما در اطراف میدان شهرداری و سبزه‌میدان، این قسمت از شهر را به مرکز تجاری نقشه‌های ذهنی شرکت‌کنندگان تبدیل کرده است. با توجه به نقشه‌های شرکت‌کنندگان، بازار رشت با خوانایی بالایی در میان چهار خیابان اصلی شهر (امام،

مطهری، حاجی‌آباد و شریعتی) قرار دارد. در میان این بافت، مساجد و بازار به‌صورت عناصر شاخص در کنار مراکز تجاری شهر وجود دارند. به‌طور کلی در این قسمت، نقشه ذهنی ساکنان سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی چندان تفاوتی را در ظاهر نشان نمی‌دهند؛ به‌طوری‌که هر دو گروه، میدان شهرداری، سبزه‌میدان و بازار را به‌وفور نمایش داده‌اند.

این هسته بیشترین اشتراکات عناصر را در نقشه‌های ذهنی دارد. از تفاوت‌های آن می‌توان به این اشاره کرد که ساکنان سکونتگاه‌های رسمی خیابان‌های تجاری از قبیل انقلاب (حاجی‌آباد)، مطهری و... را واضح‌تر از ساکنان غیررسمی نمایش می‌دهند، اما تأکید ساکنان رسمی به‌ویژه بر عناصر تجاری در این مرکز است. عناصر شاخص ویژه‌ای مانند مجتمع رز، مرکز خرید ديفکتو، آنتیک، بامبو، زانوس، رولکس، رشت ۱۱، هپی‌لند، سینما سپیدرود، سینما ۲۲ بهمن و چند رستوران و غذاخوری و کافی‌شاپ در مرکز شهر است که ساکنان رسمی توجه بسیاری به آن داشته‌اند، اما عناصری از جمله ساختمان شهرداری، پست و...، همچنین خیابان‌هایی مانند معلم، سعدی، اعلم‌الهدی، شریعتی و... محله‌هایی از قبیل استادسرا، باقرآباد و... به‌صورت مشترک نمود یافته‌اند. این عناصر در فضای شهر رشت معمولاً شناخته‌شده هستند و می‌توان آن‌ها را معروف‌ترین عناصر ساختار شهر دانست (شکل‌های ۲۰ تا ۲۷). به‌طور معمول، بیشتر افراد هر دو گروه مطالعه این عناصر را در نقشه‌های خود نشان داده‌اند که از سرچشمه‌های آغازین شهر رشت به‌شمار می‌آیند. در نقشه‌های ذهنی دو گروه مهم‌ترین عنصر میدان شهرداری است.



شکل ۱۹. بازار شهر



شکل ۱۸. خیابان مطهری



شکل ۲۱. تندیس میرزا کوچک‌خان



شکل ۲۰. ساختمان شهرداری



شکل ۲۳. مرکز خرید رز



شکل ۲۲. مرکز خرید ديفکتو



شکل ۲۵. مجتمع تجاری نجم



شکل ۲۴. سبزه میدان



شکل ۲۷. پیاده راه اعلم الهدی

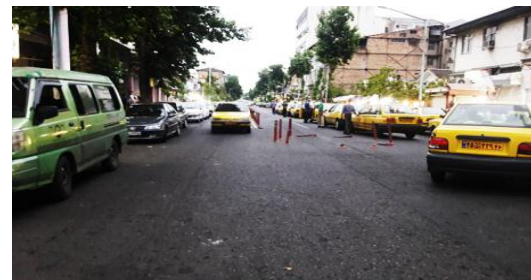


شکل ۲۶. خیابان سعدی

در ادامه محور نقشه ذهنی ساکنان شهر رشت، دو خیابان تختی و سعدی به طور موازی ارتباط دهنده اصلی شمال شهر با مرکز هستند. در اینجا به هسته خوانایی برای ساکنان رسمی در نقشه های ذهنی شرکت کنندگان می‌رسیم. این منطقه شهری شروع نامرئی شدن نقشه ذهنی ساکنان غیررسمی از شمال شهر است. در این منطقه، ساکنان غیررسمی به برخی محله های قدیمی مانند باقرآباد و استادسرا و خیابان هایی از قبیل بلوار معلم، خیابان سعدی و... اشاره کرده اند. در این بخش، به ویژه در خیابان تختی شاهد عناصر فیزیکی متفاوت با هسته های پیش در نقشه ذهنی ساکنان رسمی هستیم. در این هسته، بخش سازه های بخش خدماتی و غیردولتی نمود می‌یابند. برای ساکنان رسمی نقشه زنان متناسب با مردان این محدوده را پوشش می‌دهد. بیشترین عنصر در این محدوده خیابان ها و محله ها هستند تا عناصر شاخص به صورت نشانه های شهری (شکل های ۲۸ و ۲۹). در فضای میان خیابان تختی و میدان صیقلان (بسیج) در نقشه دو گروه ساکنان رسمی و غیررسمی شهر، با عناصر جدید شهری برخورد داریم. در هسته دوم برای ساکنان رسمی در ادامه خیابان تجاری مطهری، به میدان صیقلان و سپس خیابان تازه احداث شده تختی می‌رسیم. این خیابان با عناصری مانند مجتمع های تجاری توسکا، سپیدار و پارکینگ هایی در جوار این مجتمع ها نمایش داده شده اند (شکل های ۳۰ و ۳۱).



شکل ۲۹. بلوار معلم



شکل ۲۸. خیابان سعدی



شکل ۳۱. مجتمع سپیدار



شکل ۳۰. مجتمع توسکا

در بالای دو خیابان سعدی و تختی به هسته سوم می‌رسیم که در قسمت شمال شهر برای افزایش با درآمد متوسط به بالا احداث شده است و بافت کالبدی نسبتاً نوسازی دارد. در نقشه‌های ذهنی شرکت‌کنندگان، میدان شهید انصاری (چهارراه گلزار) نقطه اتصال این هسته به شهر است و از نظر ارتباطی، از نقاط راهبردی محسوب می‌شود. این میدان با مجسمه‌ای در میان آن که امروزه ورودی گلزار را تعریف می‌کند، در قدیم و پیش از احداث کمربندی به دلیل قرار گرفتن در ابتدای مسیر اصلی منتهی به بندرانزلی، ورودی جاده انزلی و حرکت به دریا و خروج از شهر رشت را نشان می‌داد. این منطقه که به صورت مستقل در نقشه‌های ذهنی شرکت‌کنندگان از شهر جدا شده است، از خیابان جمع‌کننده اصلی (بلوار گلزار) و در انتها از دو حلقه (بلوار سمیه و بلوار گیلان) تشکیل شده است. بقیه خیابان‌های فرعی نیز به صورت پراکنده آمده‌اند. این منطقه مستقل از مسیرهای عبوری شهر آمده است، همچنین به دلیل شاخص‌های متعدد تجاری و اداری، قطب تجاری در سطح شهر و منطقه جاذب سفر نیز محسوب می‌شود. وجود شعب مرکزی بانک‌ها، اداره‌ها، واحدها و مجتمع‌های بزرگ تجاری در نقشه‌های ذهنی ساکنان رسمی نشان می‌دهد این هسته از نظر عملکردی، هسته قوی تجاری-اداری در شهر است که در نقشه ذهنی ساکنان غیررسمی در حد بسیار کلی محسوب می‌شود؛ به صورتی که آن‌ها تنها این منطقه را با عنوان گلزار در موقعیت مکانی شمال شهر می‌شناسند. در نقشه‌های ذهنی ساکنان رسمی، این منطقه با فعالیت‌های روزانه آن‌ها بیشتر مرتبط است؛ به طوری که مکان‌های زیر از عناصر شاخص در نقشه‌های ذهنی ساکنان رسمی شهر از هسته سوم هستند: مراکز خرید تجاری و پاساژها (مجتمع ایرانیان و مرکز خرید گلزار)، ساختمان‌های بانک (صادرات و...)، پارکینگ‌های چندطبقه (پارکینگ ولی عصر)، فضاهای سبز (بوستان ملت)، مراکز تخصصی درمانی، بهداشتی و آرایشی (بیمارستان گلزار و آریا، اپیلاسیون پرنیان، آرایشگاه لینا)، اداره‌ها و سازمان‌های دولتی (اداره پست و اداره مخابرات) رستوران‌ها (پیزریا، رازقی، محمود، زیتون، شورکولی، گیل سو)، کافی‌شاپ‌ها (کهن، پاییز و آرتیست)، بلوارها (سمیه، انصاری، نماز، گلزار و دیلمان)، میدان‌ها و روگذرها (میدان سرگل، میدان نماز و...)، هتل‌ها (شبستان)، مراکز فرهنگی و آموزشی (آکادمی زبان نوید، آموزشگاه زبان سفیر، کانون زبان ایران، آموزشگاه موسیقی نغمه و...) مراکز ورزشی (پرورش اندام آرانا، فیزیک پرو، رویال ترنیک سنتر، باشگاه بیلارد پاسارگاد و...)، مراکز تفریحی (مرکز بازی مدرن)، محله‌ها و مناطق شهری (بوسار، گلزار، کاکتوس، گل‌ها و...) (شکل‌های ۳۲ تا ۴۱).

با بررسی عناصر نقشه‌ها و مصاحبه با دو گروه ساکنان می‌توان به نتایج جدول ۱ و نقشه ۲ دست یافت که از بررسی نقشه‌های ذهنی جوامع ساکنان سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی از شهر رشت به دست آمده است. در ادامه، پنج عنصر مطالعه لینگ قابل‌بازشناسی است که به ارتباط هریک از آن‌ها با ساکنان شهر رشت پرداخته شده است.



شکل ۳۳. رستوران رازقی



شکل ۳۲. کافه کهن



شکل ۳۵. رستوران اصیل



شکل ۳۴. هتل شبستان



شکل ۳۷. غذاخوری بومبرگر



شکل ۳۶. رستوران گیلان گراند



شکل ۳۹. باشگاه بدنسازی آریان



شکل ۳۸. مرکز ماساژ آناندا



شکل ۴۱. آرایشگاه و سالن زیبایی لبنا



شکل ۴۰. باشگاه بلیارد پاسارگاد

جدول ۱. عناصر نقشه ذهنی شهر رشت به تفکیک ساکنان رسمی و غیررسمی

نقشه ذهنی براساس نشانه، گره، لبه، راه، محدوده

ساکنان سکونتگاه‌های رسمی منطقه ۱	ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه ۴
مراکز خرید تجاری و پاساژها (مجتمع ایرانیان، مرکز خرید گلزار، اسکار، رز، دفکتو، فروشگاه مزون بیست و هاپیرمارکت گیلان مال، مرکز خرید دیلمان، دفکتو، رز و...)، ساختمان‌های بانک (صادرات، رفاه کارگران، سینا و...)، پارکینگ‌های چندطبقه (پارکینگ خیابان ولی عصر)، اتوگالری‌ها و تعمیرگاه‌های خودرو (پارک‌وی، رشت خودرو، تعمیرگاه باراباس و...)، فضاهای سبز و باغ‌های تفریحی (کافه رستوران پرنیان، کافه و اغذیه بوستان ملت و...)، خیابان تجاری (مطهری، منظره، شریعتی، بلوار گلزار، سمیه، گیل و...) مراکز تخصصی درمانی، بهداشتی و آرایشی (بیمارستان گلزار و آریا، اپیلاسیون پرنیان، آرایشگاه لبنا و...)، اداره‌ها و سازمان‌ها و خدمات دفتری (اداره پست، اداره مخابرات، دفتر هواپیمایی ماهان و...)، ساختمان‌های بیمه (البرز، آسیا و...)، رستوران‌ها (بیزریا، مس، رازقی، محمود، زیتون، گیل سو، یوشیتا، محرم، شرن...)، کافی‌شاپ‌ها (دوک، ژون، پاییز، آرتیست و...)، بلوارها (سمیه، انصاری، نماز، گلزار، احمدزاده، دیلمان و...)، میدان‌ها و روگذرها (میدان سرگل، انصاری، ولی عصر و...) ساختمان‌های هتل (شبهستان، پامچال، پردیس و...)، نمایشگاه‌ها (نمایشگاه بین‌المللی گیلان، نمایشگاه اتومبیل حامد، نمایشگاه میل، نمایشگاه فرش و...)، سینماها (سپیدرود، ۲۲ بهمن، سینما سه بعدی)، مراکز فرهنگی و آموزشی (مدرسه هوشمند گل‌ها، آکادمی زبان نوید، آموزشگاه زبان سفیر، آموزشگاه موسیقی نغمه، گلشن و...)، مراکز ورزشی (پروورش اندام آریان، فیزیک پرو، رویال ترنیک سنتر، باشگاه بیلبارد پاسارگاد، آرنا و...)، مراکز تفریحی (شهربازی، مرکز بازی مدرن)، محله‌ها و مناطق شهری (بوسار، گلزار، کاکتوس و...)، تعمیرات خودرو و کارواش (استارواش و...)	مراکز مذهبی (خواهر امام، دانای علی، هارون، مساجد صاحب‌الزمان، مالک‌اشتر، امیرالمؤمنین، حسینیه امام حسین و...)، انواع کارخانه‌ها (شهرک صنعتی، کارخانه پارس‌خزر، کارخانه چوب، کارخانه ولکس، تخته سه‌لا، مجتمع دخانیات گیلان، کارخانه ریسندگی فومنات، گیل آرد، سیمکو و...)، اداره‌ها و سازمان‌های دولتی (جهاد کشاورزی، اداره آب و فاضلاب و...)، مراکز درمانی دولتی و نیمه‌دولتی (کلینیک شبانه‌روزی آریا، درمانگاه شبانه‌روزی ولی عصر، کلینیک شبانه‌روزی مهر و...)، مغازه‌های محلی (نانوایی احمدی، نانوایی سلطانی، سوپرمارکت صفری، قصابی و بازار میوه و تره‌بار سلیمان‌داراب و...)، خدمات محلی (پست‌بانک، تاکسی تلفنی، آرایشگاه زنانه، سلمانی و...)، کافه‌ها و چای‌خانه‌ها و قلیان‌سراها (با اسامی محلی)، خیابان‌ها با دسترسی محلی (کوچه آسایش، قبادی، قربانی‌زاده، شهید تندگویان و...)، فضای سبز و مناطق پاتوقگاه (پارک گل‌ها، پارک دانشجو، پارک بهار، زمین ورزشی کارگران، پاتوقگاه‌ها با اسامی محلی و...)، محله‌های شهری (احمدگوراب، قاسمیه، حمیدیان، استقامت، رازی، حافظ‌آباد و...)، سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی (کمیته امداد، تأمین اجتماعی، اداره بهزیستی)، مراکز آموزشی دولتی (هنرستان شهید باهنر، مدرسه پسرانه شاهد و...)، سایر عناصر (ایستگاه اتوبوس مرکز شهر محله جماران، دکل‌های برق، پل شهدای گمنام)
مشترک: میدان‌ها (شهرداری، سبزه‌میدان، فرهنگ، حشمت، گیل، مادر، توشیبا، فلکه گاز) مراکز تجاری و اقامتی (بازار شهر، هتل کادوس، مجتمع تجاری نجم خاورمیانه) پایانه‌ها (ترمینال میدان گیل، ایستگاه جانبازان، ایستگاه انزلی) مراکز تاریخی و طبیعی (مقبره میرزا کوچک‌خان، رودخانه‌های گوهر رود و زرجوب، تالاب عینک) فضاهای سبز (سبزه‌میدان، باغ محتشم، پارک مفاخر) اداره‌ها و سازمان‌های دولتی (نیروی دریایی، تأمین اجتماعی، دادسرا، اداره راه و شهرسازی، اداره آموزش پرورش، نیروی انتظامی، هلال‌احمر، شهرداری مرکزی، کتابخانه ملی) بیمارستان‌ها و مراکز درمانی (بیمارستان الزهراء، بیمارستان توتونکاران، حضرت رسول اکرم، هفده شهریور) مراکز آموزشی (دانشگاه گیلان، دانشگاه آزاد) خیابان‌ها و بلوارها (خیابان امام، خیابان لاکانی، خیابان معلم، خیابان سعدی، اعلم‌الهدی، خیابان شریعتی، خیابان طالقانی، خیابان پرستار، خیابان شهدا، خیابان حافظ) محله‌ها (صیقلان، لب‌آب، معلم، استادسرا، ساغری‌سازان، منظره، پل عراق، رشتیان، یخ‌سازی، باهنر، جانبازان، خمیران زاهدان، چمارسرا، چهل‌تن)	
سایر عناصر شهری (مجتمع دخانیات، باغ رضوان، پل بوسار، آسایشگاه)	

با توجه به جدول ۱، تفاوت عناصر فیزیکی شهر در نقشه ذهنی ساکنان سکونتگاه‌های رسمی منطقه ۱ و غیررسمی منطقه ۴ متناسب با فرهنگ مصرفی این جامعه است. عناصر در نقشه‌های ذهنی سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه ۴ بسیار ابتدایی و از مشخصه‌های اصلی منطقه زندگی و نیازهای روزانه آن‌هاست. همه نقشه‌های ذهنی این محدوده با طبقه محروم جامعه مرتبط است. در این بخش شهر، نشانه‌ها با چشم‌انداز کارخانه‌های صنعتی، کارگاه‌ها و... با شبکه برق و حمل‌ونقل هویت خود را بر نقشه ذهنی ساکنان غیررسمی تحمیل کرده‌اند. این ناحیه تحت استیلای فروشگاه‌های کوچک، چای‌خانه‌ها، قلیان‌سراها، قصابی‌ها و... قرار دارد. این عناصر نشان‌دهنده زندگی روزمره این ساکنان در ارتباط با محدوده کار و اشتغال آن‌هاست که نشان می‌دهد چگونه زندگی ساکنان با این عناصر فیزیکی گره خورده است. ساکنانی که برای اشتغال وارد کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، صنایع تولیدی و... می‌شوند، برای گذراندن زمان غیر فراغت خود با فضاهای محلی محدوده زندگی خود ارتباطی قوی دارند. برخی از این فضاها با نیازهای مصرف محلی این جامعه مرتبط هستند و دسترسی محلی این جامعه را به نیازهای روزمره مهیا کرده‌اند (شکل‌های ۴۲ و ۴۳).



شکل ۴۳. مغازه‌های خرده‌فروشی



شکل ۴۲. پاتوق‌های اجتماعی در خیابان

در کوچه‌های این محله‌ها، اغذیه‌فروشی، تره‌بارفروشی، خدماتی‌های محلی و... وجود دارد که با محل سکونت فروشنده و خریداران ارتباط دارند. از دیگر عناصر نقشه‌های ذهنی این گروه پاتوق‌های عمومی ساکنان است که با اسامی قراردادی محلی شناخته می‌شوند. کار و فراغت، فعالیت مقدس و عرفی، گپ‌وگفت، نشستن، تماشاکردن و... در این محله‌ها تجربه چشم‌انداز مادی این طبقه را در شهر نشان می‌دهند.

در مقابل پیدایش عناصر شهری مانند مراکز تجاری، تفریحی، بهداشتی-درمانی و... در منطقه ۱ شهر رشت با نوآوری در ساختمان‌های جدید به کمک سرمایه‌داری و ساخت‌وساز بخش خصوصی صورت گرفته است که با فرهنگ مصرفی جامعه حاکم در منطقه تناسب دارد. این عناصر با توجه به نقشه ۲ از نظر پراکنش، بخش گسترده‌ای را اشغال کرده‌اند که نه تنها در محدوده سکونت ساکنان منطقه ۱، بلکه در ستون اصلی شهر به وقوع پیوسته‌اند و حرکت آن‌ها به مناطق دیگر به‌ویژه بافت فرسوده شهری است. توصیف فروشگاه‌ها، مراکز خرید، فرودگاه‌ها، اتوبان‌ها، سینماها و... در نقشه‌های ساکنان رسمی، نشانه‌های جامعه شتاب‌یافته مدرن است. این نامکان‌های محلی‌شده از فرهنگ‌های واقعی تجلیل نمی‌کنند. افزون‌براین، با قراردادن شهر در توصیف مالی می‌توان مکان‌های بسیاری را در نقشه‌های ذهنی آنان یافت که با نظریه‌های نامکان هم‌خوانی دارند؛ برای مثال بلوار گیلان که مدنظر ساکنان سکونتگاه رسمی در هسته سوم است.

نخستین چیزی که هر بیننده را از این مکان دلسرد می‌کند، مهمان‌نوازانه نبودن این مکان است. بسیاری از عوامل حسی از شکوه را القا می‌کنند، اما فرد را به ماندن در آن محل تشویق نمی‌کنند. ساختمان‌های به‌ظاهر باشکوه، میدان‌های کوچک، پیاده‌روهای عریض، خیابان‌های فرعی شماره‌گذاری شده و... به این معناست که باید به آن‌ها نگاه کرد و از آن‌ها گذشت. همچنین به‌نظر می‌رسد ساختمان‌ها متکبرانه و نفوذناپذیر ساخته شده‌اند و از همان چند میدان کوچک موجود روی برگردانده‌اند (شکل ۴۴). افزون‌براین نیمکتی برای استراحت وجود ندارد؛ مگر نیمکت‌ها و صندلی‌های فست‌فودها، کافه‌ها و... که به مصرف‌کنندگان اختصاص دارد (شکل ۴۵). این فضا نه‌تنها طبقه ساکن، بلکه هر رهگذری را به مصرف تشویق می‌کند. رستوران‌ها، کافه‌ها و... با نمایی شیک و تجملی تعریفی جدید از ساختار فیزیکی شهر هستند؛ ساختاری که در آن فضای عمومی مانند میدان در نقشه ذهنی شهروند بی‌ارزش جلوه داده می‌شود و به‌جای آن، ساختارهای فیزیکی بسته با نماهای باشکوه افراد را جذب خود می‌کنند.



شکل ۴۵. نیمکت کافه‌های دنج



شکل ۴۴. ساختمان‌ها و میدان کوچک

این وضعیت در قلب مشترک نقشه‌های ذهنی (میدان شهرداری) به شکلی دیگر خود را در کالبد نمایان کرده است. از سال ۱۳۹۰، پروژه راه‌سازی در مرکز شهر رشت آغاز شد. این پروژه یکی از طرح‌هایی است که به‌تازگی در مفهوم ارتقای ابعاد زیباشناختی، بازسازی میدان شهرداری، فواره‌های میدان، تعبیه نیمکت‌ها در پیاده‌راه و بهبود فضای همگانی، تنظیم نور شبانگاهی مراکز خرید، برنامه‌ریزی برای ساعات فروش و جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی مانند تئاتر خیابانی صورت گرفته است که همگی به زیست‌پذیری و کیفیت زندگی شهری کمک می‌کنند. این فضا از چند پیاده‌راه به خیابان‌های مختلف میدان کشیده شده است.^۱



شکل ۴۷. نشست سالمندان روی موانع حریم



شکل ۴۶. خلاقیت یک هنرمند در ساخت سن نمایش

۱. گزارش طرح بازآفرینی میدان شهرداری رشت، دفتر مطالعات شهرداری رشت، ۱۳۹۶

پیاده‌راه‌هایی که هر فرد را به خرید از مجتمع‌های تجاری تشویق می‌کند و فضاهای مکئی در شکل نیمکت‌های دارای نظم هندسی به چشم می‌خورد که گویی سکوهایی برای نشستن و استراحت کردن افرادی هستند که برای خرید به آنجا آمده‌اند، شکل گرفته‌اند (شکل ۴۶). سکوهایی که نشانی از ترویج هنر موسیقی و نمایش تئاتر شهری ندارند (شکل ۴۷). در این میان، ضروری است هنرمندان برای اجرای خود و ساختن صحنه نمایش منتظر خالی شدن این سکوها از مصرف‌کنندگان مجتمع‌های تجاری باشند؛ فضایی که نه ساختاری اجتماع‌محور و نه فعالیت‌پذیر دارد. این طرح نمایشی از ویندو شاپینگ^۱ و ترویج ساخت بیشتر مجتمع‌های تجاری علیه بازار سنتی را به ارمغان می‌آورد. برای چنین طرحی، ساخت فضایی بر مبنای دیدگاه نهادی تعریف می‌شود که در آن شهروندان، مصرف‌کننده هستند و تولید فضا بیش از هر چیز بر پایه فرهنگ مصرفی طبقه متوسط شهری استوار است (همان‌گونه که در نقشه‌های ساکنان رسمی به عناصر تجاری میدان اشاره شد). در اینجا با کالایی شدن مکان در فضا روبه‌رو هستیم؛ مکان‌هایی که نه برای حفظ هویت مردم این شهر بلکه برای گردشگری و پرتی‌زنی مصرف‌کنندگان فضا طراحی شده‌اند. با وجود سرمایه‌گذاری‌های وسیع در بخش مرکزی شهر، گروه‌های محروم (ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی) نه تنها از این طرح‌ها ثمره بسیار اندکی می‌برند، بلکه این طرح‌ها (به دلیل نیازمندی‌ها به هزینه بالا) می‌تواند خدمات‌رسانی به بخش محروم شهری را با کمبود بودجه مواجه کند. در مقابل، این طرح موجب شده است مرکز تجاری شهر رشت در میان گردشگران داخلی (نه خارجی) و طبقه متوسط مصرفی شهر محبوبیت ویژه‌ای بیابد. طرح پیاده‌راه میدان شهرداری شهر رشت به جای اینکه با سیاست‌های رفاهی و اجتماع‌محور دنبال شود، ساخت‌وساز و نوعی احیای خودنمایانه اجتماعی است. در واقع، مرکز شهر رشت امروزه بخش اصلی ساخت و احیای مصرف‌محور شهر محسوب می‌شود؛ بنابراین آنچه این بخش شهر را از دو طبقه رسمی و غیررسمی شهری رشت جدا می‌کند، نه مکان آن، که قدرت مصرفی حاکم بر این فضای فیزیکی است؛ یعنی طیف رستوران‌ها، فروشگاه‌ها و هر آنچه موجب این تفکیک در مصرف فضا می‌شود. هم‌اکنون روند ساخت‌وساز چنین فضای فیزیکی در کمربند جنوبی-شمالی شهر که در نقشه‌های ذهنی شهروندان مشاهده می‌شود ادامه دارد. از جمله این ساخت‌وسازها می‌توان به مجتمع تجاری اسپارو در خیابان سعدی، ساختمان بیمه البرز در خیابان امام خمینی و ده‌ها ساخت‌وساز دیگر در منطقه شمالی شهر اشاره کرد (شکل‌های ۴۸ تا ۵۱).

در ابتدای این کمربند، همچنان ساخت‌وسازهای بانک‌ها و ساختمان‌های بیمه ادامه دارد. در مرکز و شمال شهر نیز مجتمع‌های تجاری روند تسلط خود را به عنوان عناصر شاخص در نقشه‌های ذهنی ساکنان شهر ادامه می‌دهند؛ مجتمع‌هایی که در آن‌ها علاوه بر مغازه‌های فروش اجناس غیرخوراکی، مجموعه‌ای از فضاهای تفریحی، رفاهی و ورزشی مانند فضای بازی، سینما، رستوران، کافی‌شاپ و فست‌فود نیز در نظر گرفته شده است. پارکینگ‌های متناسب به این مجتمع‌ها از دیگر ویژگی‌های این ساختمان‌ها به‌شمار می‌آید. مجتمع‌هایی که ساخت‌وساز آن‌ها به سرعت روبه‌افزایش است، نه تنها از نظر اقتصادی و تأثیرگذاری بر فضای فیزیکی شهر که از نظر اجتماعی نیز بر سبک زندگی و عادات روزمره ساکنان شهر تأثیر گذارند. البته روند این تأثیرگذاری در آینده با فعال شدن تعداد بیشتری از این مجتمع‌ها نمایان تر می‌شود.

باید توجه داشت که روند ساخت‌وساز این مجتمع‌ها در کمربند جنوبی-شمالی شهر رشت به سرعت روبه‌افزایش است و این روند به توجه بیشتر شهرداری و جلوگیری از ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه تجاری نیاز دارد؛ زیرا تجاری‌سازی‌های

گسترده موجب می‌شود فضای زندگی اجتماعی شهروندان روزبه‌روز کمتر شود. صدور پروانه ساخت برای مجموعه‌های تجاری در شمال شهر از این منظر مورد انتقاد قرار گرفته است. این انتقاد در حالی مطرح می‌شود که بیشترین تعداد مجتمع‌های ساخته‌شده یا در حال ساخت از شمال شهر به مرکز شهر کشش داشته است. ساخت مجتمع‌های بزرگی مانند توسکا، سپیدار، اسپارو و... نظم، آرامش و بار ترافیکی منطقه را بر هم می‌زند. متناسب با این مشکلات ترافیکی، مجتمع‌ها احداث می‌شود و اصلاح شبکه راه‌ها در بافت‌های تاریخی مرکز شهر ضرورت می‌یابد.



شکل ۴۹. بیمه البرز



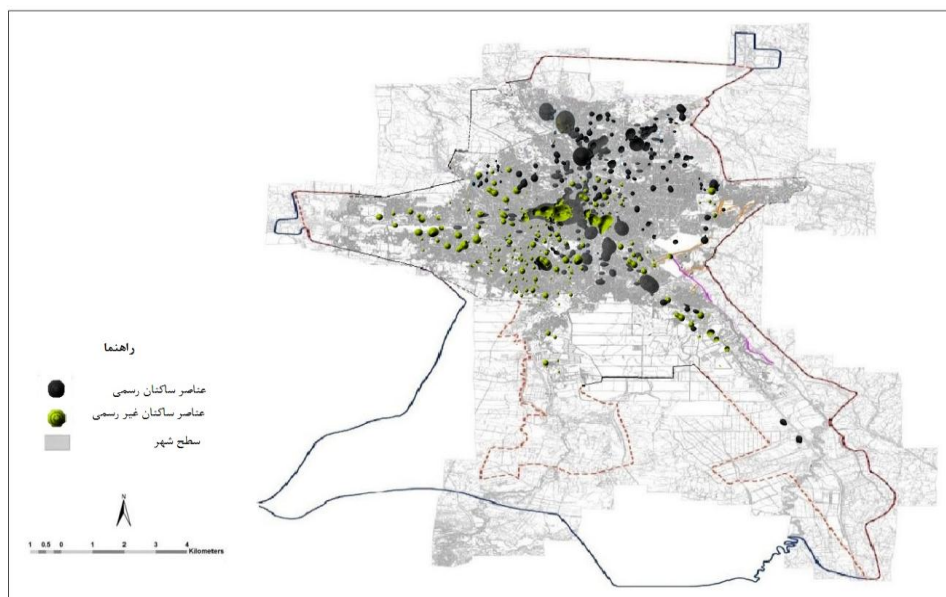
شکل ۴۸. مجتمع تفریحی تجاری اسپارو



شکل ۵۱. ساخت‌وساز در بلوار گیلان



شکل ۵۰. مجتمع در حال ساخت و ساز در گلسار



نقشه ۲. الگوی نقشه ذهنی ساکنان رسمی و غیررسمی شهر رشت با روش سطوح تراکم
منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

استدلال مطرح‌شده در تحلیل فضای اول شهر در نقشه ذهنی ساکنان شهر رشت این است که تولید فضای ناشی از مصرف خلاق سرمایه‌داری در حال اتفاق افتادن در محیط مصنوع است. فضاهای اول شهری می‌توانند تخیل^۱ را جهت‌دهی کنند و ذهنیت شهروندی را نیز شکل دهند. این فضاها باید ذوق و قوه تخیل سیاسی و عاطفی ما را تقویت کنند، اما امروزه در فضاهای شهری شهر رشت به این دو تخیل توجه نمی‌شود و تنها تخیل مالی پیشرفت می‌کند؛ برای مثال، در گذشته بازار به‌عنوان هسته‌ای که به‌تنهایی نمی‌توانست احتیاجات روزافزون مردم را رفع کند، به‌ناچار در خود، سراها، تیم‌ها و... را به‌وجود آورد که هر یک کارکرد خاص خود را داشتند و کنار هم قرار گرفتند. همچنین در مجاورت این مجموعه، اماکن عمومی مانند حمام‌ها، مساجد، مدارس، تکیه‌ها، سقاخانه‌ها، زورخانه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و... وجود داشته است که همه آن‌ها بافت واحدی را به‌وجود آورده‌اند و از نظر ارتباطات بخش‌های مختلف زندگی و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی جوابگوی نیازمندی‌های مردم شهر بوده‌اند. در گذشته فضاهای عمومی به‌وفور وجود داشته و به‌صورت سلسله‌مراتب متناسب با نیازهای مختلف شهروندان بوده است، اما امروزه فضاهای اول دیگر عقلانی و مادی شده‌اند و هنر و عواطف را توسعه نمی‌دهند. به‌تدریج مجتمع‌های تجاری (سکونت، درمانی، تفریحی و...) معنادهنده مناطق مختلف شهر شده‌اند. مناطق تجاری نیز جایگاه مهمی در نقشه‌های ذهنی یافته و این مناطق جای شهر نشست‌اند. در این باره، ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شهر از نظر سطح درآمدی دچار فقر هستند و قدرت خرید آن‌ها بسیار کم است؛ بنابراین زمانی که پروژه‌های بزرگ‌مقیاسی مانند مجتمع‌های مسکونی یا تجاری در شهر تعریف می‌شوند، مخاطب اصلی خود را خواهند داشت و هیچ‌یک از ساکنان غیررسمی نمی‌توانند از آن‌ها ذهنیتی داشته باشند. شاید در ابتدا وجود فضای فیزیکی تجاری در شهر رشت بدهی به‌نظر برسد، اما با نگاهی به وضعیت فعلی نقشه‌های ذهنی ساکنان غیررسمی می‌توان دریافت فضای فیزیکی فعلی به‌دلیل تجاری‌شدن هرروزه، ورود بسیاری از مردم را به برخی مناطق شهر غیرممکن کرده است. تجاری‌شدن فضای فیزیکی عمومی به از بین رفتن فضایی می‌انجامد که گروه‌های اجتماعی مختلف می‌توانند در آن بدون در نظر گرفتن سن، درآمد، پایگاه و... هنگام فعالیت‌های روزانه رودررو با هم ملاقات کنند، اما مشکلات وقتی بیشتر بروز می‌یابند که بخش خصوصی «سنت منفعت‌گرایی» مصرف‌کنندگان ویژه‌های از فضا را انتخاب می‌کند. همان‌گونه که پیش از این بیان شد، در آخرین مرحله از تحولات فضاهای نقشه ذهنی ساکنان شهر رشت در منطقه گلسار شاهد ظهور گونه‌های دیگری از فضاهای خرید با عنوان بازارهای تخصصی هستیم؛ از جمله بازارهایی از آخرین اشکال فضاهای تجاری و مجتمع‌های بزرگ و جدید مانند پاساژ، مرکز خرید، هایپرستار و... با تغییراتی که این فضاها در دوران مدرن ایجاد کرده‌اند، پاسخگوی نیازهای مصرفی و درآمدی شهروندان طبقه متوسط و بالاتر شهری هستند و شکل‌گیری فضاهای تجاری جدید از الزامات شرایط زندگی مدرن این طبقه است که کششی به ساخت‌وسازهای مرکزی شهر دارد. ساکنان کم‌درآمد شهر نیز نقشی در شکل‌گیری، تداوم و افول این فضاها ندارند.

منابع

- احمدی چالسر، مجتبی، ۱۳۹۶، حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی و شهری آن (مورد مطالعه: کلان‌شهر رشت)، چهارمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، گرجستان، تفلیس، آکادمی بین‌المللی علوم گرجستان.
- پورآقایی، عبدالله، ۱۳۸۵، «علل شکل‌گیری اسکان غیررسمی در شهر رشت و راهکارهای ساماندهی آن»، مجله چشم‌انداز جغرافیایی، شماره ۲، صص ۴۵-۶۶.
- سازمان عمران و بهسازی شهری، ۱۳۸۴، پژوهش در شناخت هویت کالبد شهر رشت، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- شعبان‌پور، زهرا، ۱۳۹۴، تحلیل تأثیرات اسکان غیررسمی بر توسعه پایدار شهر، نمونه موردی: رشت، اولین همایش پژوهش‌های کاربردی در علوم جغرافیایی، سمنان، گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان.
- عیوضی، مهرو، عنبری مهرناز و جعفر یوسف‌پور، ۱۳۹۵، ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در محله‌های شهری با بررسی دیدگاه ساکنان محلی (مطالعه موردی محله سلیمان‌دآراب رشت)، همایش بین‌المللی افق‌های نوین در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی و مدیریت فرهنگی شهرها، تهران، انجمن افق نوین علم و فناوری.
- منوری، مسعود، ۱۳۶۹، حاشیه‌نشینی در شهر رشت، کتاب گیلان‌نامه، انتشارات طاعتی، رشت.
- مهندسان مشاور طراحان راهوند شهر، ۱۳۸۸-۱۳۸۹، گزارش دستور ستاد ملی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، استان گیلان.
- مهندسین مشاور طرح و کاوش، ۱۳۸۶، طرح جامع شهر رشت، جلد دوم، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مسکن و شهرسازی استان گیلان.
- Albert, W. S., and Golledge, R. G., 1999, *The Use of Spatial Cognitive Abilities in Geographical Information Systems: The Map Overlay Operation* Transactions in GIS, No. 3, PP. 7-21.
- Appleyard, D., 1970, *Styles and Methods of Structuring a City*, Environment and Behaviour, No. 2, PP. 100- 118.
- Bagheri, N., 2014, Mapping Women in Tehran's Public Spaces: A Geo-Visualization Perspective, Gender, Place and Culture, 21:10, 1285-1301, DOI: 10.1080/ 0966369X. 2013.817972.
- Biolek, J., and Andráško, I., 2015, *Investigating Suburban Environment by Means of Mental Maps: A Case Study of Olomouc Hinterland*, Journal of Studies and Research in Human Geography, Vol. 9, No. 1, PP. 44-56.
- Butler, D., 2006, *Virtual Globes: The Web-Wide World*, Nature, 439 (7078), PP. 776-778.
- Chambers, R., 2006, 'Participatory Mapping and Geographic Information Systems: Whose Map? Who Is Empowered and Who Disempowered? Who Gains and Who Loses?' The Electronic Journal of Information Systems in Developing Countries, Vol. 25, No. 2, PP. 1-11.
- Chapin, M., Lamb, Z., and Threlkeld, B., 2005, *Mapping Indigenous Lands*, Annual Review of Anthropology, Vol. 34, No. 1, PP. 619-638.
- Ciobanu, Cr., 2008, *The Mental Map of Neighbourhoods in Bucharest Introductory Study of Mental Geography*, Journal of Studies and Research in Human Geography, Vol. 2, No. 1, PP. 25-34.
- Cope, M., and Elwood, S., 2009, *Qualitative GIS: A Mixed Methods Approach*, SAGE Publications Ltd.
- Corbett, J., and Rambaldi, G., 2009, *Geographic Information Technologies, Local Knowledge and Change*, In Qualitative GIS, M. PP. 75-93, SAGE Publications, London.
- Craig William J., Harris, Trevor M., and Weiner, D., 2002, *Community Participation and Geographic Information Systems*, London: Taylor and Francis.

- Crampton, Jeremy W., 2001, *Maps as Social Constructions: Power, Communication and Visualization* Progress in Human Geography, Vol. 25, No. 2 PP. 235–252.
- Crampton, J., and Krygier, J., 2005, *An Introduction to Critical Cartography*, ACME: An International E-Journal for Critical Geographies, Vol. 4, No. 1, PP. 11–33.
- Dalton, C., and Bafna, S. R., 2003, *The Syntactical Image of the City: A Reciprocal Definition of Spatial Elements and Spatial Syntaxes*, In: (Proceedings) 4th International Space Syntax Symposium: London, UK.
- Ding, G., and Kwan, M. P., 2004, *3D-VQGIS: 3D Visualization and Qualitative Analysis of Geospatial Data*, Department of Geography, The Ohio State University.
- Dodge, M., Aitken, S., and Valentine, G., 2014, *Mapping and Geovisualization*, In Approaches to Human Geography, Second Edition, 2nd Edn, Sage, PP. 289-309.
- Downs, R. M., 1970, *The Cognitive Structure of an Urban Shopping Center*, Environment and Behavior, 2, 13–39.
- Dunn, C. E., 2007, *Participatory GIS a People's GIS?*, Progress in Human Geography, Vol. 31, No. 5, PP. 616–637.
- Earnshaw, S., 1994, *Postmodern Surroundings*, Social Science.
- Golledge, R. G., and Spector, A. N., 1978, *Comprehending the Urban Environment: Theory and Practice*, Geographical Analysis, No. 10, PP. 403-426.
- Goodey, B., 1971, *City Scene: An Exploration Into the Image of Central Birmingham as Seen by Area Residents*, Research Memorandum 10, Birmingham: Centre for Urban and Regional Studies.
- Harley, J. B., 1988, *Maps, Knowledge, and Power*, In Henderson, G., and Waterstone, M., (Eds) Geographic Thought: A Praxis Perspective, PP. 129-148.
- Harvey, D., 1969, *Explanation in Geography*, St. Martin's Press, NewYork.
- Horley, C. B., 2010, *Mental Mapping the 'Creative City'*, Journal of Maps, Vol. 6, No. 1, PP. 250-259.
- Jayne, M., 2006, *Cities and Consumption: Routledge Critical Introductions to Urbanism and the City*, Routledge, ISBN: 0415327342, 9780415327343.
- Jiang, B., 2012a, *Computing the Image of the City*, In Proceedings of the 7th International Conference on Informatics and Urban and Regional Planning (PP. 111-121).
- Jiang, B., 2012b, *The Image of the City out of the Underlying Scaling of City Artifacts or Locations*, Annals of the Association of American Geographers, 103: 1552–1566.
- Jiang, B., 2012c, *Why Can the Image of the City Be Formed*, Arxiv: 1212.3703 Freely Accessible.
- Johnston, R. J., 1971, *Mental Maps of the City: Suburban Preference Patterns*, Department of Geography, University of Canterbury, Christchurch, New Zealand, Received 20 July 1970, Environment and Planning, Vol. 3, PP. 63-72.
- Karan, P. P., Bladen, W. A., Singh, G., 1980, *Slum Dwellers and Squatters Images of the City*, Environment and Behavior, Vol. 12, No. 1, PP. 81-100, Issue Published: March 1, 1980, Vol. 12, No. 1, PP. 81-100. <https://doi.org/10.1177/0013916580121006>.
- Kathlene, L., 2007, *Cognitive Mapping and GIS for Community-Based Resource Identification*, Idea Group Inc.
- Knabb, K., 2006, *Translato: Theory of the Dérive'Guy Debord*, Situationist International Anthology, P. 50.
- Knigge, L., and Cope, M., 2006, *Grounded Visualization: Integrating the Analysis of Qualitative and Quantitative Data Through Grounded Theory and Visualization*, Environment and Planning A, No. 38, PP. 2021–2037.

- Kwan, M. P., 2008, *From Oral Histories to Visual Narratives: Representing the Post-September 11 Experiences of the Muslim Women in the United States*, Social and Cultural Geography, No. 9, PP. 653–659.
- Lefebvre, H., 1991, *The Production of Space*, Oxford: Blackwell Publishers.
- Lewis, D., 1972, *We the Navigators* (Canberra: Australian National University Press).
- Lynch, K., 1960, *The Image of the City*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Maceachren, A. M., and Fraser Taylor, D. R., 1994, *Visualization in Modern Cartography*, Oxford: Elsevier Science.
- Matei, S., Ball Rokeach, S. J., and Qui, J. L., 2001, *Fear and Misperception of Los Angeles Urban Space: A Spatial-Statistical Study of Communication-Shaped Mental Maps*, Communication Research, Vol. 28, No. 4, PP. 429–463.
- Mccann, E. J., 1999, *Race, Protest and Public Space: Contextualizing Lefebvre in The U. S. City*, Antipode, Vol. 31, No. 2, PP. 163-184.
- Medyckyj Scott, D., and Hearnshaw, H., 1993, *Human Factors in GIS*, London: Belhaven Press.
- Nasar, J. L., 1997, *The Evaluative Image of the City*, Sage Pub, U.S.A.
- Orleans, P., 1967, *Differential Cognition of Urban Residents: Effects of Social Scale on Mapping*, Science, Engineering and the City, Publication 1498, Washington, DC: National Academy of Engineering.
- Panek, J., and Sobotova, L., 2015, *Community Mapping in Urban Informal Settlements: Examples from Nairobi, Kenya*, The Electronic Journal of Information Systems in Developing Countries, Vol. 68, No. 1, PP. 1-13.
- Paulet, J. P., 2002, *Les Représentations Mentales En Géographie*, Paris, Anthropos, 152 P, ISBN: 978-2-7178-4507-5.
- Pè, R., 2015, *Audio-Maps to Manage Moving Territories*, Embedding Strategies of Musical Synchronization to Qualify Sensitive Areas of Urban Informality, PP. 159-166: Doi.Org/10.1007/978-3-319-05341-7_18.
- Peake, S., and Moore, T., 2004, *Analysis of Spatial Distortions in a Mental Map Using GPS and GIS*, Presented at SIRC 2004 – The 16th Annual Colloquium of the Spatial Information Research Centre University of Otago, Dunedin, New Zealand November 29th-30th 2004.
- Perkins, C., 2004, *Cartography – Cultures of Mapping: Power in Practice*, Progress in Human Geography, Vol. 28, No. 3, PP. 381-391.
- Pocock, D. C. D., and Hudson, R., 1978, *Images of the Urban Environment*, Macmillan, London.
- Raanan, M. G., and Shoval, N., 2014, *Mental Maps Compared to Actual Spatial Behavior Using GPS Data: A New Method for Investigating Segregation in Cities*, Cities 36, PP. 28–40, 10.1016/J.Cities.2013.09.003.
- Schuurman, N., 2000, *Trouble in the Heartland: GIS and Its Critics in the 1990s*, Progress in Human Geography, Vol. 24, No. 4, PP. 569–590.
- Seiber, R. E., 2001, 'GIS for Social Change' Paper Presented at GIS in a Changing Society 2001, Ohio State University.
- Sieber, R. E., 2002, 'Geographic Information Systems in the Environmental Movement', In *Community Participation and Geographic Information Systems*, Ed, by Craig, W. J. Harris, T. M. and Weiner, D. PP. 153–172, Taylor and Francis, London.

- Sieber, R. E., 2006, *Public Participation and Geographic Information Systems: A Literature Review and Framework*, Annals of the American Association of Geographers, Vol. 96, No. 3, PP. 491-507.
- Simao, A., Densham, P. J., and Haklay, M., 2009, *Web-Based GIS for Collaborative Planning and Public Participation: An Application to the Strategic Planning of Wind Farm Sites*, Journal of Environmental Management, Vol. 90, No. 6, PP. 2027-2040.
- Soja, E. W., 1996, *Thirdspace: Journeys to Los Angeles and Other Real and Imagined Places*, Malden, Ma and Oxford: Blackwell.
- Talen, E., 2000, *Bottom-Up GIS*, Journal of the American Planning Association, Vol. 66, No. 3, PP. 279- 294.
- Thrower, N. J. W., 1972, *Maps and Man: An Examination of Cartography in Relation to Culture and Civilization (New Jersey: Prentice-Hall Inc)*, Vol. 178, No. 4061, PP. 606-618.
- Tuan, Y., 1974, *Topophilia: A Study of Environmental Perception, Attitudes and Values*, Columbia University Press.
- Tuan, Y., 1975, *Images and Mental Maps*, Annals of the Association of American Geographers, No. 65, PP. 205-213.
- Vajjhala S., 2005, *Integrating GIS and Participatory Mapping in Community Development Planning*, Paper for the ESRI International User Conference, Sustainable Development and Humanitarian Affairs Track; San Diego, CA, July 2005.
- Walker, D. H., Leitch, A. M., De Lai, R., Cottrell, A., Johnson, A. K. L., and Pullar, D., 2002, 'A Community-Based and Collaborative GIS Joint Venture in Rural Australia', In *Community Participation and Geographic Information Systems*, Ed, By Craig, W. J., Harris, T. M., and D Weiner, D., PP. 137-152, Taylor and Francis, London.
- Wood, D., 2010, 'Lynch Debord: About Two Psychogeographies', *Cartographica*, Vol. 45, No. 3, PP. 185-200.
- Wood, D., and Krygier, J., 2016, *Cartography: Critical Cartography*, Making Maps: A Visual Guide to Map Design for GIS, The Guilford Press, ISBN 1462509983.
- Worms, J. L., 2014, *Mental Mapping the Transformation of Social Space in Rio's Oldest Favela: Morro Da Providência*, LSU Doctoral Dissertations, 1627.
- Zhong, E., 2008, *A Model for Public Involvement Programming Using Participatory Geographic Information Systems*, *Computers, Environment and Urban Systems*, No. 32, PP. 123-133.
- Ahmadi Chalsara, M., 2017, *Informal Settlements and Social and Urban Pathology (A Case Study of Rasht)*, 4th International Conference on Psychology, Education Sciences and Social Studies, Tbilisi, Georgia, International Academy of Sciences of Georgia. (In Persian)
- Pour Aghaei, A., 2006, *The Causes of Informal Settlement Formation in Rasht City and Its Organizing Solutions*, *Geographical Landscape Journal*, Summer 2006, No. 2, PP. 45-66. (In Persian)
- Urban Development Organization. 2005, *Research in Recognition of Physical Identity in Rasht*, Ministry of Housing and Urban Development, Tehran. (In Persian)
- Shabanpour, Z., 2015, *Analysis of the Effects of Informal Settlements on Urban Sustainable Development (A Case Study of Rasht)*, The First Conference on Applied Research in Geosciences, Geography Department, Islamic Azad University of Semnan. (In Persian)
- Eivazi M., Anbari, M., and YousefPour, J., 2016, *Organizing and Empowering Informal Settlements in Urban Neighborhoods by Investigating the Viewpoint of Local Residents (Case Study of Soleimandarab Neighborhood In Rasht)*, International Conference on New Prospects in Civil Engineering, Architecture, Urban Planning and Cultural Management of Cities, New Prospect Association of Science and Technology, Tehran. (In Persian).

Monavari, M., 1990, Informal Settlements in Rasht, Guilan Paper, Taati, Rasht. (In Persian)

Tarahan Rahvand Shahr Consulting Engineers Co, 2009-2010, Report of the Order of National Headquarters for the Empowerment of Informal Settlements, Guilan Province. (In Persian)

Tarh o Kavosh Consulting Engineers Co, 2007, *Master Plan of Rasht City*, Ministry of Housing and Urban Development, Housing and Urban Development Organization Of Guilan, Vol. 2. (In Persian)